

## زنگ موبایل سارق را لو داد

سارق یک گوشی گران قیمت آشنای مال باخته از کار درآمد و با صدای زنگ موبایل دستش جلوی فامیل رو شد. به گزارش خبرنگار ما زن سارق که با نحوه استفاده از گوشی آشنایی نداشت تا او را خاموش کند بعد از سرقت گوشی او را داخل چندین تکه پارچه پیچید تا به خیال خودش از شنیده شدن صدای زنگ گوشی جلوگیری کند اما در این امر ناکام ماند و به دام افتاد. فرد مال باخته در این باره گفت: روزی در

مردی که از یک سوراخ دو بار گزیده شد

## تاوان سهل انگاری



**صدیقی-** نادم است اما دیگر پشیمانی سودی برایش ندارد. سن و سالی از او گذشته و گرد پیری روی موهایش نشسته و چروک عمیقی روی صورتش نقش بسته است. از راه رانندگی چرخ زندگی اش را می چرخاند. اما در یک بزنگاه فرمان زندگی اش را دانسته یا فریب خورده در مسیر بیراهه چرخاند و زندگی اش را به سمت دره سوق داد. یک عمر با سختی و رانندگی های طولانی مدت و خسته کننده نان خانواده اش را تامین کرده است اما اکنون ۴ سال است که پشت میله های زندان روزگارش را می گذراند. او چوب سادگی اش را خورده و از یک سوراخ ۲ بار گزیده شده است و حالا باید بابت این موضوع تاوان پس دهد.

**چند وقت است که در حبس هستی و به چه جرمی؟**

۴سال است که به جرم حمل مواد مخدر از نوع تریاک در زندان تاوانش را پس می دهم و برای بار دوم دستگیر شدم. معتاد بودم و تریاک مصرف می کردم.

**کمی از ماجرای دستگیر شدنت در بار اول بگو.**

اولین بار که دستگیر شدم ماجرا این طور بود که یکی از دوستانم که از یکی از شهرهای شرقی کشور خودرویی خریده بود به خاطر این که گواهینامه ماشین سنگین داشتم از من خواست که او را همراهی کنم تا به کمک من ماشینش را بیاورد. زمانی که ماشین را تحویل گرفتیم و به سمت شهرمان به راه افتادیم، من بی خبر از همه جا پشت فرمان نشستم غافل از این که دوستم نقشه شومی برایم کشیده و چند کیلو مواد را در خودرو جاسازی کرده بود. زمانی که به اولین ایست و بازرسی رسیدیم جلوی مان را گرفتند و بعد از بازرسی دقیق، مواد را از داخل ماشین کشف کردند و به خاطر همین به ۳سال حبس محکوم شدم و دوستم اصلا زیر بار نرفت و همه چیز را به گردن من انداخت. خودم سادگی کردم و گول حرف های پوچ دوستم را خوردم و بعد از دستگیری متوجه شدم که هدفش از کمک خواستن از من برای رانندگی جا به جایی مواد بوده است.

**گفتی که از ماجرای اول خبر نداشتی چطور شد برای بار دوم دستگیر شدی؟**

بار دوم هم من در جریان نبودم. ماجرای بار دوم هم از این قرار بود که از حدود ۳ سال پیش از این اتفاق من راننده یک کامیون

مجلسی با یکی از زن های فامیل مشغول پذیرایی بودیم و گوشی گران قیمتم را به کمرم بسته بودم. بعد از پایان جشن زمانی که خواستم از موبایلم استفاده کنم دیدم اثری از گوشی ام نیست. وی ادامه داد: هر چقدر اطراف را گشتم و از بستگان حاضر در مهمانی درباره گوشی گران قیمتم پرس و جو کردم به نتیجه ای نرسیدم. زمانی که از یکی از زن های فامیل در باره گوشی ام سوال کردم با کمی دست پاچگی و تاخیر

بار به من تحویل داد اصلا در مورد مواد چیزی به من نگفت و من زمانی متوجه این ماجرا شدم که در یک ایست و بازرسی گیر افتادم و ماموران از داخل کامیون حدود ۳۰کیلو مواد از نوع تریاک کشف کردند . بعد از کشف مواد چون من راننده و تنها در کامیون بودم همه چیز به گردن من افتاد و دوباره راهی زندان شدم.

**صاحب کامیون بعد از این اتفاق اصلا سراغی از تو نگرفت؟**

نه. تازه بعد از دستگیر شدنم طلبکار هم شد که چرا با آبرو و زندگی او بازی کرده ام، در صورتی که خودش باعث و بانی این کار بود و من را قربانی فکر پلیدش کرد. بعد از مدتی که در زندان بودم کامیونش را از توقیف آزاد کرد و به دنبال کار و زندگی اش رفت و اصلا انگار من وجود نداشتم.

**برای بار دوم چه حکمی برایت صادر شد؟**

۱۰ سال حبس و ۷ میلیون تومان جریمه.

**از خانواده ات بگو و آیا سواد داری؟**

دو زن و ۸ فرزند دارم. سوادم در حدی است که گلیلم را از آب بیرون بکشم یا حساب و کتاب کنم و اسم خودم را بنویسم.

**شغل ت اول رانندگی بود؟**

بله حدود ۱۵ سال بود که راننده کامیون بودم و از این طریق چرخ زندگی ام را می چرخاندم.

**تا چه مدت باید در زندان بمانی؟**

به خاطر سن و سال زیادی که دارم و مدت حبسی که کشیدم اگر مبلغ جریمه را پرداخت کنم آزاد می شوم اما پولی در بساط ندارم که جریمه ام را پرداخت کنم و باید همچنان چشم انتظار آزادی در زندان بمانم.

**خانواده ات بعد از زندانی شدنت چکار کردند؟**

تا زمانی که رانندگی می کردم به هر زحمت و سختی که بود زندگی را سر می کردیم اما از زمان زندانی شدنم خانواده ام خیلی در تنگنا قرار گرفتند و با کارگری و قرض و یارانه، زندگی شان را به سختی سپری می کنند. زن دومم مدتی است که سخت مریض شده و کاری از دست من بر نمی آید. مدتی است که اصلا کسی به ملاقاتم نیامده است و فقط گاهی اوقات خانواده ام به صورت تلفنی از من خبر می گیرند. البته به آن ها حق می دهم زیرا با ندانم کاری زندگی شان را فلج کردم و گره کوری به زندگی شان انداختم که باز گردشش زمان و هزینه زیادی می خواهد.

## مصائب زندگی با شوهر بی خیال

زندگی مشترک را ندارد. تازه مادر شوهرم من را متهم می کند که رفتار و سخت گیری های من باعث شده نامزدم دچار افسردگی شود. می دانم که این حرف ها همه اش بهانه است و نامزدم حتی شب ها هم به خانه پدرش نمی رود و مدام با دوستان ناباش در حال وقت تلف کردن است.

زمانی که به نامزدم اعتراض می کنم که تکلیفم را روشن کند مرا متهم به وسواسی بودن می کند و این که اخلاقم به مادرم رفته و به این علت مدام به او گیر می دهم. اصلا در این ۴ سال دوران نامزدی مان با هم تفاهم نداشتیم و هر بار که زمان برگزاری مراسم عروسی مان را تعیین می کردیم در موعدش حرف و وعده جدیدی پیش کشیده می شد و پدر شوهرم اصلا حاضر نمی شد به پسرش کمک مالی کند.

دیگر خسته شده ام و حالا که نامزدم در جلسه مشاوره شرکت کرده و در کنار من نشسته است فقط وعده سر خرم می دهد و بیرون از جلسه مشاوره خانواده زیر تمام حرف هایش می زند و وعده هایش را فراموش می کند و نسبت به زندگی و من خونسر د و بی تفاوت است. اکنون به این جا آمده ایم تا تکلیف زندگی مان هر چه زودتر روشن شود و بدانم که بعد از این چه تصمیمی برای زندگی و آینده ام بگیرم.

## قاب حادثه



برخورد رخ به رخ خاور با سواری پژو در محور شیروان به لوجلی با ۵ مصدوم

# ۵۰٪ تخفیف ویژه روزهای جمعه

## به ازاء هر خرید، ۵۰٪ بن رایگان دریافت نمایید.



## رستوران ، سفره خانه سنتی ، تالار

۰۹۱۵۰۸۴

۰۹۳۳۵۵۳۵۳۱۸

۰۹۱۵۳۸۶۹۳۰۳

۰۹۱۵۵۸۴۳۱۷۲

رزرو مجالس :

رستوران : بلوار معلم ، نبش معلم ۱۵

رستوران سنتی: بلوار معلم ، نبش معلم ۱۵طبقه زیرین رستوران

۰۵۸-۳۲۲۵۸-۵۸

۰۵۸-۳۲۲ ۵۸ ۹۵۱

تالار : بلوار معلم ، نبش خیابان بهارک طبقه فوقانی فروشگاه رفاه